

اغلب لغت شناسان عریضه را به عرض حال و درخواست نامه معنی می کنند او برای «عرض» معانی مختلفی بیان می کنند که یکی از آنها، بیان مطلبی از طرف فرد کوچکتر به بزرگتر است؛ بر این اساس معنی به عرض رساندن عبارت از گفتن و بیان کردن مطلبی از طرف کوچکتر به بزرگ تر است.

در اصطلاح، عریضه نویسی یکی از شیوه های خاصّ توسل است که در طول تاریخ، در فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه بوده است.

توضیح آن که گاهی افراد جامعه با یک سلسله نیاز و گرفتاری ها مواجه می شوند که برحسب ظاهر امکان برطرف نمودن آنها از طریق اسباب عادی میسر نیست، یا حد اقل بسیار مشکل است؛ در چنین مواردی به جای نا امید شدن و زانوی غم در بغل گرفتن، از ناحیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام توصیه شده است که از اموری نظیر دعا و توسل که در جای خود اثبات شده است - که هر یک از آنها اگر مؤثرتر از اسباب و علل عادی نباشند کمتر از آنها نیستند - کمک گرفته شود. آن گاه برای خود توسل، شیوه های مختلفی بیان شده است که از جمله آنها نوشتن عریضه است.

عریضه گاهی خطاب به خداوند تبارک و تعالی نوشته می شود و در آن فرد نیازمند ضمن اشاره به مشکل و حاجت مورد نظر خود به مقام و منزلت یکی از معصومین علیهم السلام یا همه آنها در پیشگاه خداوند متوسل می شود؛ و یا این که عریضه مستقیماً به معصوم علیه السلام نوشته می شود تا او بواسطه قرب و ارج و منزلتی که در نزد خداوند متعال از او برآورده شدن یا برطرف گشتن آن حاجت و مشکل را درخواست نماید؛ و یا این که خود معصوم علیه السلام بواسطه ولایت و قدرتی که از ناحیه پروردگار عالم به او اعطا شده است، به اذن خداوند مهربان این نیاز و گرفتاری را برطرف سازد. بدیهی است که هیچ یک از این امور با قیودی که به آنها ذکر شد به اموری نظیر شرک و بت پرستی و... منتهی نمی شوند.

توجیه عقلی و ادله نقلی عریضه نویسی

از بررسی مجموعه آیات و روایاتی که در صدد تبیین منزلت و کمالات وجودی اهل بیت علیهم السلام هستند، چنین معلوم می شود که ائمه اطهار علیهم السلام علاوه بر ولایت تشریحی یعنی حق تبیین و تشریح احکام و آیات الهی و رهبری سیاسی و دینی و اجتماعی جامعه، که اصطلاحاً به آن امامت گفته می شود؛ از منزلت والای ولایت تکوینی نیز برخوردارند. این بُعد از کمال که گاهی از آن تعبیر به «ولایت تصرف» و «ولایت معنوی» می شود، نوعی از اقتدار و تسلط فوق العاده در امور نظام هستی است که با توجه به دارا بودن مراتب بالای کمالات معنوی و قرب به حضرت حقّ با عنایات مخصوص خداوند متعال معجزات و کرامات منقول از آن ذوات مقدسه، ناشی از این بُعد ولایتی آنهاست.

توضیح آن که برطبق جهان بینی اسلامی، انسان از چنان استعدادی برخوردار است که از طریق انجام عبادات و ترک گناهان می تواند به مرتبه ای از کمال برسد که تمام اعضاء و جوارح بدن او الهی بشود. یعنی به جایی می رسد که چشم او جز حقّ را نمی بیند و گوش او به غیر از حقّ را نمی شناسد، و پای او جز در راه حقّ قدم بر نمی دارد و دست او جز در مسیر حقّ کاری انجام نمی دهد.

و در یک کلام در تمام رفتارها و عملکردها جز به کار حقّ خود را مشغول نمی سازد. یعنی به تمام معنی خلیفه الله می شود. تصوّرات و تصرفاتش همه رحمانی می گردد. از این مرتبه از کمال در حدیث قدسی مشهور که امام صادق علیه السلام آن را از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کنند، با این تعبیر یاد شده است:

قال الله عزوجل: ما تقرّب إلى عبد بشيء أحبّ إلىّ ممّا افترضت عليه وإنه يتقرّب إلىّ بالنافله حتى احبّه فإذا أحببته كنت سمعته الذي يسمع به وبصره الذي يبصر به ولسانه الذي ينطق به ویده الذي يبطش بها. إن دعاني أجبتة، وإن سألتني أعطيتة.

۶- خداوند عزوجل می فرماید: هیچ بنده ای با هیچ وسیله ای به من نزدیک نشده است که از فرائض نزد من محبوب تر باشد. همانا بنده به وسیله نوافل و مستحبات - که من آنها را واجب نکرده ام ولی او تنها به خاطر محبوبیت آنها در نزد من، به انجام شان می پردازد- به من نزدیک می شود تا به جایی که محبوب من می گردد، همین که محبوب من گشت، من گوش او می شوم که با آن می شنود، و چشم او می شوم که با آن می بیند، و زبان او می شوم که با آن سخن می گوید، و دست او می شوم که با آن حمله می کند. در این حال اگر مرا بخواند دعایش را اجابت می کنم، و اگر از من چیزی درخواست کند آن را به او می دهم».

وقتی که انسان های معمولی از چنین قابلیت بر خوردارند، به طریق اولی ائمه اطهار علیهم السلام به جهت کمالاتی که دارند می توانند از منزلتی برخوردار شوند که بتوانند در شئون مختلف عالم تکوین تصرفاتی داشته باشند.

در اشاره به برخورداری اهل بیت علیهم السلام به سطح بالایی از این گونه ولایت است که در زیارت جامعه وارد شده است:

«بکم فتح الله وبکم یختم وبکم یمسک السماء أن تقع علی الأرض وبکم ینزل الغیث»

«پروردگار عالم به برکت وجود شماست که خلق را آغاز می کند و آن را به پایان می رساند، و آسمان را از فرو افتادن بر زمین باز می دارد، و باران را فرو می فرستد».

به عبارت دیگر خداوند همه چیز را به وسیله شما که واسطه های فیض او هستید ایجاد و اداره می نماید. و همچنین در دعای عدیله در تشریح و تبیین قسمتی از برکات وجود مبارک حضرت امام زمان علیه السلام آمده است:

«ثم الحجة الخلف القائم المنتظر المهدي المرجی الذی ببقائه بقیت الدنيا وبیمنه رزق الوری وبوجوده ثبتت الأرض والسماء».

«سپس - بعد از امام عسکری علیه السلام - حجت بعدی، قائم منتظر مهدی علیه السلام است که وی آن مایه امیدی است که به برکت بقاء وجود مبارک او، دنیا باقی و برقرار، و مخلوقات عالم از روزی برخوردارند. همینطور در سایه وجود اوست که نظم و انسجام زمین و آسمان پاحفظ می شود».

با در نظر گرفتن مطالب گذشته و تأمل در مضمون آیاتی همانند:

۱- یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا إليه الوسيلة

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوا پیشه کنید و وسیله ای برای تقرب به خداوند انتخاب کنید.

۲- ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤک فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما

اگر آنها هنگامی که به خود ستم کردند - گناه مرتکب شدند- و به سراغ تو آمده، و از خداوند طلب عفو و بخشش می کردند، و تو نیز برای آنها طلب عفو می نمودی، خداوند را توبه پذیر و رحیم می یافتند».

۳- قالوا یا أبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خاطئین قال سوف استغفر لكم ربی انه هو الغفور الرحیم

برادران یوسف گفتند: ای پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم! یعقوب در پاسخ آنها فرمود: به زودی

برای شما از خداوند طلب آمرزش خواهم کرد، همانا او آمرزنده و مهربان است».

و همچنین از دقت در مدلول و مضمون روایاتی نظیر:

۱- روایت ابوالوفای شیرازی که بر طبق آن رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«چون درمانده و گرفتار شدی پس به حجت استغاثه کن که او تو را در می یابد، و حجت برای کسی که از او استغاثه کند پناه و فریاد رس است»

۲- مرد نابینایی تقاضای دعا از پیامبر صلی الله علیه و آله برای شفای بیماری اش کرد، پیغمبر صلی الله علیه و آله به او دستور دادند که چنین دعا کند:

«اللهم إنی أسئلك وأتوجه إلیک بنبیک محمد نبی الرحمة، یا محمد إنی توجّهت بک إلی ربی فی حاجتی لتقضى لی اللهم شفّعه فی»

خداوندا! من از تو به خاطر پیامبرت که پیامبر رحمت است تقاضا می کنم و به تو روی می آورم. ای محمد! به وسیله تو به سوی پروردگارم برای انجام حاجتم توجه پیدا می کنم، ای خدای من! او را شفیع من قرار بده».

۳ - آنگاه که مادر گرامی حضرت علی علیه السلام رخت از جهان بربست، پیغمبر اکرم علیهم السلام به او چنین دعا فرمود:

«اغفر لأمی فاطمة بنت أسد و وسع علیها مدخلها بحق نبیک والانبیاء الذین من قبلی»

«خداوند! مادرم فاطمه دختر اسد را بیمارز، و قبر را برای او وسیع گردان؛ بحق پیغمبرت و پیغمبرانی که قبل از من بوده اند».

۴- از امام رضاعلیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند:

هر گاه سختی و گرفتاری به شما روی آورد به وسیله ما از خدای عزوجل کمک بخواهید و این است معنی کلام خداوند متعال در قرآن کریم: «و لله الاسماء الحسنى فادعوه بها»

و دعاهای زیادی در توسل به خدای متعال بوسیله امامان علیهم السلام در متون روایی وارد شده است از جمله در زمینه توسل به امام زمان علیه السلام چنین آمده است:

اللهم انی اسألك بحق ولیک و حجّتک صاحب الزمان الا اغتنی به جمیع اموری و کفیتنی به موتة کل مؤذ و طاغ و باغ و اغتنی به فقد بلغ محمودی و کفیتنی کل عدد و هم و غم و دین و وُلدی و جمیع اهلی و اخوانی و من یعیننی امره و خاصتی آمین یا رب العالمین .

بار خدایا من از تو می خواهم به حق ولیّ و حجّت صاحب الزمان علیه السلام که مرا بر تمام امور یاریم کنی و به او شرّ هر گونه مودی و سرکش و ستمگری را از من دور گردانی و به آن حضرت مرا یاری کنی که تلاشم به آخر رسیده و هر گونه دشمنی و همّ و غم و اندوه و قرض را از من و فرزندانم و تمام خاندانم و برادرانم و هر کس که کارش به من مربوط می شود و بستگان نزدیکم، کفایت کنی، ای پروردگار عالمیان! همه این درخواست های مرا اجابت فرما. باز در این باره حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند:

روزی سلمان فارسی؛ به گروهی از یهودیان برخورد کرد که در محلی نشسته بودند وقتی چشم آنها به سلمان افتاد از او خواستند که هر چیزی را که همان روز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده است برای آنها تعریف کند. از آنجا که سلمان؛ به اسلام آوردن آنها علاقه داشت خواهش آنها را اجابت کرد و نزد آنها رفته، چنین گفت: شنیدم حضرت محمدصلی الله علیه و آله می فرمودند: خداوند عزوجلّ می فرماید: ای بندگان من! آیا چنین نیست که هر کس حاجت های بزرگی از شما بخواهد آنها را بر آورده نمی سازید مگر آنکه محبوب ترین افراد را نزد شما واسطه بیاورد، آنگاه آن حاجت را به احترام آن شفاعت کننده بر ایشان برمی آورید؟

الا! فاعلموا ان اکرم الخلق علیّ وافضلهم لویّ محمّد و اخوه علیّ و من بعده من الائمة الذین هم الوسائل الیّ الا فلیدعنی من همته حاجة یرید نفعها او دهمته داهیة یرید کف ضررها تستشفعون الیه باعز الخلق علیه....

توجه کنید و بدانید که گرامی ترین و برترین مخلوق در نزد من محمدصلی الله علیه و آله و برادر او علی علیه السلام و بعد از او سایر امامانی هستند که آنها وسیله به سوی من می باشند. همانا هر کس حاجتی برایش اهمیت دارد و نفع آن را خواستار است، یا حادثه بزرگی برای او پیش آمده است که می خواهد ضرر آن را دفع کند مرا به وسیله محمدصلی الله علیه و آله و خاندان او بخواند؛ من حاجت چنین کسی را به بهترین شکل بر طرف خواهم ساخت. همانگونه که اگر عزیزترین کس را نزد فردی شفیع ببرید او نیاز شما را به جهت شفاعت آن عزیزش به نحو احسن بر می آورد.

حکایات زیادی که در این زمینه در تاریخ وارد شده است، نظیر آنچه که «ابن حجر» در کتاب «صواعق» از امام شافعی پیشوای معروف اهل تسنن نقل می کند که وی در مواقعی که به یاد سختی های روز قیامت و رسیدگی به نامه اعمال و... می افتاد به اهل بیت پیامبرعلیهم السلام توسل می جست و چنین می سرود:

آل النبی ذریعتی

وهم إلیه وسیلتی

ارجو بهم أعطی غذا

بید الیمین صحیفتی

«خاندان پیامبر وسیله من هستند؛ آنها در پیشگاه خداوند وسیله تقرّب من هستند؛ امیدوارم به سبب عنایت آنها در فردای قیامت نامه عمل من به دست راست من داده شود».

همچنین بر طبق نقل بیهقی، یک سالی در زمان خلافت عمر بن خطاب در مدینه و سایر سرزمین های اسلامی خشکسالی رخ داد. بلال حبشی به همراه عده ای از صحابه، سر قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و خطاب به آن حضرت چنین گفت: «یا رسول الله استسقی لأمّتك... فإنهم قد هلكوا...» .

ای رسول خدا! از خداوند تبارک و تعالی برای امتت باران رحمت درخواست کن؛ بدرستی که آنها در آستانه نابودی واقع شده اند».

مسائلی چون شفاعت، توسل، واسطه قرار دادن اهل بیت اطهار علیهم السلام و برآورده شدن حاجت ها، صورت منطقی و قابل دفاع برهانی دارد. زیرا این کار به دستور خداوند متعال با توجه به منزلت و مقامی که حضرات معصومین علیهم السلام دارند، انجام می گیرد. به عنوان مثال دلیل بر صحت این ادعا آن است که در زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام تصریح شده که واسطه قرار گرفتن آن حضرت در برآورده شدن نیازمندیها، به خاطر جایگاه والایی است که آن حضرت در پیشگاه خداوند دارند.

«فقد توجّهت إلیک بحاجتی لعلمی أنّ لک عند الله شفاعةً مقبولةً ومقاماً محموداً» .

به این خاطر برای بر آورده شدن حاجتم به تو روی آوردم که می دانستم در پیشگاه خداوند متعال از چنان منزلتی برخوردارم که شفاعت تو قبول می شود».

از دقت در مفاد و مضمون این گونه از تعبیر که در ادعیه و روایات به نمونه های زیادی از آنها بر می خوریم، شبههاتی که در زمینه مسأله توسل - که از طرف افراد کنجکاو ولی کم اطلاع، یا مغرضان آگاه- در طول تاریخ مطرح شده است برطرف می گردد. چرا که بر طبق رهنمودهای موجود در منابع اصیل اسلامی، قدرت تصرف انبیاء الهی و اهل بیت عصمت علیهم السلام در امور تکوینی عالم، در طول اراده و قدرت خداوند متعال است که به اذن و اراده او انجام می گیرد و گرنه هرگز از یک نفر عالم عاقل شنیده نشده است که بگوید: قدرت آنها در عرض ویا در مقابل اراده خداوند قرار دارد.

بر این اساس است که در قرآن کریم، آنجا که درباره ثبوت ولایت تکوینی برای حضرت عیسی علیه السلام سخن گفته می شود؛ تعبیر این است که آن حضرت با اذن و اراده خداوند بود که توانست کور مادرزاد را بینا، و مرده ای را زنده نماید:

...أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ...

... من از گل چیزی به شکل پرنده می سازم سپس در آن می دمم و به فرمان خدا پرنده ای می گردد و به اذن خدا کور مادر زاد و مبتلایان به برص (پسی) را بهبود می بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم...»

بنابراین، اقتدار فوق العاده تصرف در شئون هستی، که در عرف عامه مردم از آن به برخورداری از توان انجام دادن کرامات و قدرت ارائه معجزات تعبیر می شود در حقیقت یک نعمت بزرگ خدا دادی است که در نتیجه سیر کمالات روحی و تحصیل اعلای از قرب الهی به افرادی خاص از انسانها اعطا می شود، و آنها به برکت همان نعمت الهی می توانند در جهان هستی تصرفات فوق العاده ای بنمایند، و این صفت کمالی از نظر ضعف و قوت دارای مراتبی است که در اثر میزان قرب و بُعد و مقدار سیر معنوی در افراد مختلف فرق می کند.

نتیجه آن که اعتقاد به برخورداری ائمه اطهار علیهم السلام از چنین موهبتی، نه شرک است و نه سبب انکار قدرت و اراده مطلقه خداوند می شود.

وقتی اصل مسأله توسل به اهل بیت علیهم السلام صورت قابل توجیه منطقی و برهانی پیدا کرد، مطلب بعدی این است که توسلات به چه شکل و یا شیوه ای باید انجام گیرند؟

در این باره با توجه به شرایط مختلف که پیش می آید دستور العمل های متفاوتی از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که از جمله آنها شیوه عریضه نویسی است. در اینجا با هدف آشنائی بیشتر با کم و کیف این کار، نخست نمونه هایی از عریضه

های موجود در کتابهای مفصل روایت و ادعیه، ارائه گردیده، سپس تعدادی از حکایت های موجود در این زمینه که مشتمل بر اطلاعات کاملتری هستند جهت استفاده بیشتر علاقمندان به همراه توضیحات لازم تقدیم خواهد شد.
عریضه امام صادق

در تحفه الزائر نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه کسی حاجت و درخواستی از خداوند متعال داشت و یا از موضوعی در هراس بود، آن را به این ترتیب که بیان می شود بر روی کاغذی بنویسد:
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجِّهُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَأَعْظَمَهَا لَدَيْكَ وَأَتَقَرَّبُ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَنْ أُوجِبُ حَقَّهُ عَلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلَى وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلَى بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْحِجَّةَ الْمُنْتَظَرَةَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اَكْفِنِي كَذَا وَكَذَا...»
«به نام خداوند بخشنده مهربان، پروردگارا! من با شفیع قرار دادن محبوبترین اسماء و بزرگترین آنها در پیشگاه تو، رو به سوی تو می آورم و به وسیله کسانی که رعایت حق و احترامشان را بر خودت لازم دانسته ای به درگاهت تقرب جسته و به حضرتت توسل پیدا می کنم؛ به حق محمدصلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمدبن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمدبن علی و علی بن محمد و حسن بن علی علیهم السلام و به حق حجت منتظر (که درود تو بر همه این بزرگواران باد) حاجت مرا که عبارت از... است برآورده ساز. سپس آن نوشته را در آب جاری یا در چاهی بیندازد انشاء الله خداوند متعال حاجت و درخواست او را بر می آورد.»
عریضه به امام زمان

الف - مرحوم محدث قمی در کتاب منتهی الآمال به نقل از تحفه الزائر علامه مجلسی ومفاتیح النجاة سبزواری می نویسد:
هرکس حاجتی دارد، آنچه را که ذکر می شود در یک قطعه کاغذی بنویسد و در ضریح یکی از ائمه علیه السلام بیندازد، یا کاغذ را ببندد و مهر کند و خاک پاکی را گل سازد، و آن را در میان گل بگذارد و در نهر یا چاه آب یا برکه ای بیندازد، با این نیت که انشاء الله به خدمت حضرت صاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه برسد، و آن بزرگوار عهده دار برآورده شدن حاجت وی می شود؛ عریضه این چنین نوشته می شود:
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«کتبت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا و شکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عزوجل ثم بک من امر قد دهمنی واشغل قلبی وأطال فکری وسلبنی بعض لُتبی وغیر خطیر نعمه الله عندی واسلمنی عند تخیل وروده الخلیل وتبره منی عند ترائی إقباله إلی الحمیم وعجزت عن دفاعه حیلتی و خاننی فی تحمله صبری وقوتی فلجأت فیهِ إلیک وتوکلت فی المسأله لله جل ثناؤه علیه وعلیک فی دفاعه عنی علما بمکانک من الله رب العالمین، ولی التدبیر ومالک الأمور واثقا بک فی المسارعه فی الشفاعه إلیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لإجابته تبارک وتعالی إیاک باعطائی سؤلی وأنت یا مولای جدیر بتحقیق ظننی وتصدیق أملی فیک فی امر کذا وکذا (وبه جای کذا وکذا حاجات خود را ذکر نماید) فیما لا طاقه لی بحمله ولاصبر لی علیه وان کنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی وتفریطی فی الواجبات التی لله عزوجل فأغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف وقدم المسأله لله عزوجل فی امری قبل حلول التلف وشماتة الأعداء فبک بسطت النعمه علیّ وأسئل الله جل جلاله لی نصرا عزیزا وفتحاً قریبا فیهِ بلوغ الآمال وخیر المبادی وخواتیم الأعمال والأمن من المخاوف کلها فی کل حال إنّه جل ثناؤه لما یشاء ففعل وهو حسبی ونعم الوکیل فی المبدء والمآل».

آنگاه در کنار نهر یا چاه یا برکه آب بایستد و یکی از وکلای آن حضرت در دوره غیبت صغری را در نظر بیاورد (عثمان بن سعید عمروی، یا پسر او محمد بن عثمان، یا حسین بن روح یا علی بن محمد سمری) و با نام او را بخواند:
«یا فلان بن فلان - مثلا عثمان بن سعید سپس این چنین ادامه دهد:- سلام علیک أشهد أن وفاتک فی سبیل الله وأنک حی عند الله مرزوق وقد خاطبتک فی حیاتک التی لک عند الله عزوجل وهذه رقعتی وحاجتی الی مولانا علیه السلام فسلمها إلیه وأنت الثقة الأمين».

سپس نوشته را در همان نهر یا چاه یا برکه آب بیندازد، انشاء الله حاجت او برآورده خواهد شد.

ب - و همچنین در این زمینه مرحوم محدث نوری در کتاب نجم الثاقب عریضه ای را خطاب به امام زمان علیه السلام از کتاب سعادات به این صورت نقل کرده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

«توسلت إليك يا أبا القاسم محمد بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن علي بن أبي طالب النبأ العظيم والصراف المستقيم وعصمة اللاجين بأتمك سيده نساء العالمين وبأبائك الطاهرين وبأمهاتك الطاهرات، بي-س والقرآن الحكيم والجبروت العظيم وحقيقه الإيمان ونور النور وكتاب مسطور ان تكون سفيري إلى الله تعالى في الحاجة...» (بعد حاجت خود را می نویسد) و این نوشته را در مقداری گِل پاک گذاشته و آن را در آب جاری می اندازد و در همان حال یکی از نواب اربعه را صدا کرده می گوید: یا عثمان بن سعید ویا محمد بن عثمان و... اوصلا قصتی الی صاحب الزمان صلوات الله علیه.

ج - در کتاب دعای بحار الانوار مرحوم علامه مجلسی، عریضه دیگری از کتاب مصباح شیخ ابوجعفر طوسی؛ با این عبارت آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«الی الله سبحانه وتقدست اسماءه، ربّ الأرباب وقاصم الجبابرة العظام، عالم الغیب، کاشف الضّرّ، الذی سبق فی علمه ما کان وما یكون، من عبده الذلیل المسکین، الذی انقطعت به الاسباب، طال علیه العذاب، وهجره الأهل، وباینه الصّدیق الحمیم، فبقی مرتها بذنبه، قد أوبقه جرمه، وطلب النجاة فلم یجد ملجأ ولا ملتجأ غیر القادر علی حلّ العقد ومؤبد الأبد، ففزعی إلیه واعتمادی علیه ولا لجا ولا ملتجأ إلا إلیه.

اللهم إني أسألك بعلمك الماضي، وبنورك العظيم، وبوجهك الكريم، وبحجّتك البالغة أن تصلّي علی محمد وعلی آل محمّد وان تأخذ بیدی وتجعلنی ممن تقبل دعوته وتقبل عثرته وتكشف كربته وتزِيل ترحته، وتجعل له من امره فرجا ومخرجا وتردّ عني بأس هذا الظالم الغاشم وبأس الناس ياربّ الملائكة والناس، حسبي أنت وكفي من أنت حسبه، يا كاشف الأمور العظام فإنّه لاحول ولاقوة إلا بك».

متن این استغاثه به درگاه خداوند تبارک و تعالی را به همراه عریضه ای که خطاب به حضرت امام زمان علیه السلام با این عبارات نقل شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«توسلت بحجة الله الخلف الصالح، محمّد بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن علي بن أبي طالب النبأ العظيم والصراف المستقيم والحبل المتين عصمة الملجأ وقسيم الجنة والنار أتوسل إليك بأبائك الطاهرين الخييين المنتجين وأمّهاتك الطاهرات الباقيات الصالحات الذين ذكرهم الله في كتابه فقال عزّ من قائل الباقيات الصالحات وبجدك رسول الله صلّى الله عليه وآله وخليله وحببيه وخيرته من خلقه أن تكون وسيلتي إلى الله عزّ وجلّ في كشف ضرّي وحلّ عقدي وفرج حسرتي وكشف بليّتي وتنفيس نزحتي وبكهييعص وبيس والقرآن الحكيم وبالكلمة الطيبة وبمجارى القرآن وبمستقر الرحمة وبجبروت العظمة وباللوح المحفوظ وبحقيقه الإيمان وقوام البرهان وبنور النور وبمعدن النور والحجاب المستور والبيت المعمور وبالسبع المثاني والقرآن العظيم وفرائض الاحكام والمكلم بالعبرائي والمترجم باليوناني والمناجى السرياني وما دار في الخطرات وما لم يحط به لالظنون من علمك المخزون وبسترک المصون والتوراة والانجيل والزبور ياذا الجلال والاکرام صلّ علی محمد وآله وخذ بیدی وفرج عني بأنوارک واقسامک وکلماتک البالغة إنک جواد کریم وحسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول ولاقوة إلا بالله العليّ العظيم وصلواته وسلامه علی صفوته من ربّيته محمّد وذريته».

و آنگاه رقع استغاثه را با بوی خوش معطر می سازد و در میان رقع، عریضه امام زمان علیه السلام را قرار داده و هر دو را در داخل گِل پاک می گذارد. سپس دو رکعت نماز می خواند و بعد، آن را به درون چاه آب یا نهر جاری می اندازد و بهتر است که این کار در شب جمعه انجام گیرد. ضمنا وقتی که عریضه را در چاه یا نهر آب انداخت بلافاصله این دعا را بخواند:

«اللهم إني أسألك بالقدرة التي لحظت بها البحر العجاج فأزبد وهاج ورماج وكان كالليل الداخ طوعا لأمرك وخوفا من سطوتك فانتق أجاجه وابتلق منهاحه وسجت جزائره وقدست جواهره تناديك حيتانه باختلاف لغاتها الهنا وسيدنا ما الذي نزل بنا وما الذي حلّ ببحرنا فقلت لها اسكني سأسكنك مليا واجاور بك عبدا زكيا فسكن وسبح و وعد بضمائر المنح فلما نزل به ابن متي بما ألم الظنون فلما صار في فيها سبّح في امعائها فبكت الجبال عليه تلهفا واشفقت عليه الأرض تأسفا فيونس في جوفه كموسى في تابوته لأمرك طائع ولوجهك ساجد خاضع فلما أحببت أن تقيه القيته بشاطىء البحر شلوا لاتنظر عيناه ولا تبطش يده ولا تركض رجلاه وانبت منك عليه شجرة من يقطين وأجريت له فراتا من معين فلما استغفر وتاب خرقت له الى الجنة بابا إنك أنت الوهاب. وتذكر الائمة واحدا واحدا. «سپس همه اسامى دوازده امام عليهم السلام را ذکر می کند.